

تجدید مرزها یا تجدید مرزها؟

علی اصغر فیروزنیا

دبیر زبان و ادبیات فارسی (شهرستان بجنورد)

در گروه کلمات برای املائی شماره یک از کتاب زبان فارسی ۳ (مخصوص رشته تجربی - ریاضی) چنین آمده است: «تجدید مرزها» (زبان فارسی ۳، ۱۳۸۹: ۳۳) املائی این گروه واژه، با مخمسه‌ای که برای دانش آموز می‌آفریند، یادآور خاطره‌ای از زنده‌یاد دکتر عبدالهادی حائری است که در زندگی‌نامه خودنوشت خویش، با نام مستعار «امید» شناخته می‌شود.

«دبیر عربی و فارسی مردی کاملاً آشنا با دستور زبان عربی و فارسی بود و عبارات و اصطلاحات ویژه خود را به کار می‌برد. هرگاه دانش‌آموزان باهم در کلاس سخن می‌گفتند، با صدای بلند می‌گفت: آقایان محترم! قرار ما جز این بود! روزی امید از او پرسید که هرگاه واژه‌هایی با تلفظ همسان در فارسی در املا بیاید، خودبه‌خود انتخاب هجای آن برای دانش‌آموز در آن وقت تنگ در امتحان بسیار دشوار خواهد بود. او که امتحان‌کننده و نمره‌دهنده است، چگونه نمره خواهد داد؟ وی پاسخ داد: «در چنین مواردی به زبان دانش‌آموز احتیاط می‌شود!» (حائری، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

منابع

۱. حائری، عبدالهادی، آنچه گذشت، ج ۱، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۲
۲. گروه مؤلفان، زبان فارسی ۳ (شاخه‌های نظری به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی)، ج ۱۴، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱.

(همان: دفتر ۱۰۵۶، ۶)

که در همه این ابیات واژه‌های «قرن» و «قرون» در معنی مجازی «مردم قرن و قرون» به علاقه ذکر ظرف زمان و اراده مظلوف، بسیار آشکار و برجسته به کار رفته است.

امیر معزی نیز در قصیده‌ای در مدح سلطان ملک‌شاه سلجوقی کلمه «قرون» را در معنی مجازی به علاقه ذکر زمان و اراده مظلوف (مردم قرون) چنین به کار برده است:

تو باش خسرو اقران و پادشاه قرون

تو باش قبله شاهان و پیشگاه قرون

(امیر معزی، ۱۳۶۲: ۱۱۷)

انوری ابیوردی هم در دیوان خویش «قرن» را در معنای مجازی به معنی «مردم قرن» آورده است:

زین قرن، قرین تو کی آید کس؟

تا چون تو یکی به صد قران یابد

(انوری، ۱۳۷۲: ۷۹۷)

در قرن سیزدهم ادیب‌الممالک فراهانی نیز در ضمن قصیده‌ای در تبریک ولادت مظفرالدین شاه، واژه «قرون» را در معنی مجازی به معنی «مردم قرون» به کار برده است:

عبید او نشمارم ز خواجگان عظام

قرین او نشانم ز نادرات قرون

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۶۳)

البته در اغلب اوقات همین قیود زمان در معنای حقیقی خود در زبان کاربرد دارند؛ مانند لفظ «شب» در این بیت سعدی:

شب عاشقان بی‌دل، چه شبی دراز باشد!

تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

(سعدی، کلیات، ۱۳۸۰: ۴۸۹)

یا مثال‌های فراوان در مورد کاربرد واژه‌هایی چون روز، روزگار و زمانه.

در کتب ادبی منثور نیز واژه‌هایی در معانی مجازی به علاقه ذکر زمان و اراده مظلوف آن به کار رفته است. در «چهار مقاله» عروضی سمرقندی آمده است: «چون ستوران بهار نیکو بخوردند و به تن و توش خویش باز رسیدند و شایسته‌ی میدان حرب شدند، نصرین احمد روی به هری نهاد». (عروضی سمرقندی، چهار مقاله، ۱۳۸۲: ۴۹۰)، که «بهار» در معنی مجازی به علاقه ذکر زمان و اراده مظلوف آن، «سبزه‌های بهاری» است. در جای دیگر از همین کتاب آمده است: «و لشکری از بهار و تابستان برخوردار تمام یافتند از عمر خویش». (همان: ۵۰-۴۹)

ادامه مطلب در وبگاه مجله